

## بررسی عوامل بالندگی اقتصادی ایران در عصر شاه عباس اول صفوی

زهرا یوسف نیا<sup>۱</sup>

### چکیده

توجه به زیر ساخت‌های اقتصادی و توسعه آن، در استقرار و تداوم ساختار حکومتی در هر دوره تاریخی امری مسجل می‌باشد. اما می‌بایست این نکته را در نظر داشت که در سایه سیاستی مدبرانه می‌توان توسعه اقتصادی را دست یافتنی نمود. از منظری دیگر رسیدن به توسعه سیاسی و اقتصادی در راستای هم قرار دارند. بررسی اقتصاد عصر صفویه با توجه به تحولات پدید آمده در ساختار حکومتی ایران و استقرار حاکمیت ملی و تمرکز قدرت، در راستای آن رشد بورژوازی و ایجاد تحولات در مناسبات خارجی ایران قابل بررسی خواهد بود. ایران عصر صفوی در قرن ۱۰ هـ. ق/ ۱۶ م. مقارن با ایام سلطنت شاه عباس اول، دورانی از شکوفایی اقتصادی و اقتدار سیاسی را سپری نمود. از جمله مسائلی که رشد اقتصاد ایران در این برهه از تاریخ را سبب گردید می‌توان به ثبات سیاسی، تمرکز گرایی، ایجاد امنیت داخلی به ویژه راهداری، توجه به تجارت خارجی و اهمیت کالای تجاری ابریشم و استفاده از نیروی کارآمد ارامنه در رشد بازرگانی دانست. نوشتار حاضر بر آن است تا شاخصه‌ها و تدابیر اقتصادی شاه عباس اول در توسعه اقتصاد و تجارت ایران و میزان موفقیت در رسیدن به توسعه اقتصادی را با استناد بر منابع عصر صفوی و گزارشات سیاحان، مورد کنکاش قرار دهد.

**واژه‌های کلیدی:** صفویه، شاه عباس اول، تجارت ابریشم، راهداری، ارامنه

---

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین [yousefnia.mona@yahoo.com](mailto:yousefnia.mona@yahoo.com)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۵/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۱/۰۱

## مقدمه

ظهور دولت صفوی در آغاز قرن دهم هجری (شانزدهم میلادی) در ایران نه تنها برای این کشور و دولت‌های همجوار بلکه برای اروپا نیز رویداد تاریخی مهمی بود. ایجاد حکومت مستقل و یکپارچه در نظام سیاسی و اقتصادی ایران تحولی عظیم ایجاد کرد. در این دوره اروپاییان به دلایل مختلف، مشتاق گسترش روابط سیاسی و تجاری با ایران بودند. دولت‌های اروپایی خواهان مقابله با عثمانی بودند و اتحاد با ایران آن‌ها را در این امر یاری می‌کرد؛ از طرف دیگر برقراری روابط تجاری گسترده با ایران (به ویژه داد و ستد ابریشم) سود سرشاری را عاید کشورهای اروپایی می‌کرد. همین عوامل موجب اعزام نمایندگان سیاسی به ایران شد. سیاحانی نیز با مقاصد سیاسی، تجاری و مذهبی عازم ایران شدند؛ که سفرنامه‌هایی از خود به جا گذاشتند. تا قبل از روی کار آمدن صفویان یکپارچگی و اتحاد در ایران از میان رفته بود. با تشکیل دولت صفوی و رسمی کردن مذهب تشیع توسط شاه اسماعیل بود که حکومتی متمرکز و مستقل در ایران برقرار شد. در نتیجه امنیت و تسهیلاتی که به وسیله شاهان صفوی به ویژه شاه عباس اول در کشور ایجاد شده بود، فعالیت‌های بازرگانان داخلی و خارجی بالا گرفت و به دنبال آن تجارت (به ویژه داد و ستد ابریشم) رونق بسیاری یافت. دوره شاه عباس اول دوره بالندگی اقتصاد پولی و تجارت بود. ساخت پل‌ها و کاروانسراها بر سر راه‌های اصلی، زیرساختی را پدید آورد که برای بالندگی تجارت بسیار ضروری بود. قرار دادن راهداران در نقاط کلیدی مملکت علاوه بر حصول درآمدهای مفید به صورت عوارض، سلامت و امنیت راه را برای کاروان‌های بازرگانی که از ممالک مجاور وارد می‌شدند به ارمغان می‌آورد. سیاست انحصار درباری تجارت ابریشم در زمان شاه عباس اول اگرچه روح تجارت پیشگی بازرگانان ایرانی را کاهش داد، اما سرمایه داری دولتی را افزایش داد. همچنین تدبیر شاه عباس اول در مهاجرت





ارامنه جلفا به ایران و استفاده از نیروی آنان در تجارت ابریشم، توانایی اقتصادی ایران در آن دوران را دو چندان نمود.

در همین راستا این پژوهش سعی دارد؛ به توصیفی از اقدامات شاه عباس اول در جهت بالندگی اقتصاد عصر صفویه با توجه به سه شاخصه توسعه راهداری، انحصار درباری تجارت ابریشم و به کارگیری نیروی ارامنه در تجارت ابریشم ارائه دهد.

### ۱. راهداری و ایجاد امنیت در مسیرهای ارتباطی

فرآیند شکل گیری دولت متمرکز ملی در ایران عهد صفوی همزمان با رشد بورژوازی تجاری در اروپا، در رونق تجارت داخلی و خارجی امری مؤثر محسوب می گردد. دولت صفویه، خصوصاً ایام سلطنت شاه عباس اول اهمیت ویژه‌ای را برای تجارت و رونق آن قائل گردید. و در این راستا یکی از اقدامات سازنده برقراری امنیت راه‌ها، توسعه راهداری، احداث کاروانسراها و غیره می باشد. به دلیل اهمیت راه‌های مواصلاتی در حیات اجتماعی و سیاسی جوامع، دولت‌های متمرکز در طول تاریخ توجه خاصی به احداث راه‌ها و ایجاد امنیت در مسیرهای ارتباطی مبذول داشتند. همان گونه که در «تاریخ عالم آرای عباسی» آمده؛ برقراری امنیت در راه‌های ارتباطی یکی از دلایل استحکام و پایداری پایه‌های یک حکومت محسوب می گردیده است. (ترکمان، ۱۳۸۷: ۱۱۰۵/۲) در عهد شاه عباس اول بود که قوانین یکسان و منظمی برای راهداری‌ها در سراسر کشور وضع گردید. از نظر برقراری امنیت در جاده‌ها در عالم آرای عباسی آمده که در عصر شاه عباس اول رفت و آمد مردم به خاطر وجود گروهی به نام قطاع الطریق خیلی دشوار شده بود و شاه عباس اول برای رفع این اختلال و نامنی «همت بر افنا و اعدام این طبقه گماشته بود...» شاه عباس طی مدت زمانی کوتاه تعدادی از این گروه را تحت انقیاد خود درآورد و گروه نافرمان را «بی ملاحظه به شحنة سیاست سپرده خلاق را از شرآن طایفه آسودگی بخشیدند.



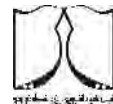
(ترکمان، ۱۳۸۷: ۲ / ۱۱۰۵) شاه عباس اول همچنین، امر حفاظت از امور راهداری را به امرا و حکام هر شهر و ولایت واگذار نموده و چنین مقرر فرموده بود که اگر اموال مسافران و تاجرانی که از محدوده حکومت آن والی آمد و شد می‌نموده، مورد دستبرد قطاع طریق قرار می‌گرفت، پرداخت غرامت به صاحبان اموال جزء وظایف امرا محسوب می‌گردیده است. (حسینی استرآبادی، ۱۳۶۶: ۱۳۵) این اقدامات شاه عباس اول در خصوص برقراری امنیت در مسیرهای ارتباطی و ایجاد نظم و نسق در امور راهداری سبب تردد روز افزون تجار و سیاحان گشته و در رونق تجاری می‌توانست بسیار مؤثر واقع شود. نظم ایجاد شده در امور راهداری همچنین سبب افزایش درآمد پولی دولت و نیز ایجاد مشاغلی دولتی برای افراد می‌گردید. اگرچه دریافت عوارض گمرگی در ابتدا به هدف ایجاد منبع درآمد برای دولت نبوده و هدف فقط تأمین حقوق مستحفظان راه‌ها بوده است. اما این هدف نیز به مرور زمان مورد توجه دولت صفویه قرار گرفت. (کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۱۶) آنچه از خلال گزارشات سیاحانی که در آن برهه زمانی به ایران مسافرت کرده، قابل استناد می‌باشد؛ اندک است اما تاورنیه، که از برقراری نظم و امنیت در راه‌ها سخن گفته، به افرادی تحت عنوان «راهدار» در طی مسیرهای ارتباطی اشاره کرده، که عهده‌دار حفظ آرامش و امنیت در راه‌ها می‌بوده‌اند. (تاورنیه، ۱۳۸۹: ۲۷۷) سیاح مذکور، حقوق و مواجب دریافتی راهداران را بسیار ناچیز گزارش کرده است. به همین دلیل راهداران از رنج و تلاش خود در حفظ و نگهداری راه‌ها برای تاجران و کاسبان سخن می‌گفته تا بتوانند پاداشی از آنان دریافت نمایند. بدین گونه راهداران، مقدار پاداش دریافتی خویش را از بارها بر اساس ارزش مرکبی که بار با آن حمل می‌شد می‌سنجیدند. به عنوان مثال از بار شتر بیش از بار قاطر، از بار قاطر بیش از بار اسب و از بار اسب بیش از بار خر پاداش می‌گرفتند. البته راهداران از بار خوراکی‌ها چیزی دریافت نمی‌داشتند. (همان، ۲۷۸)



از جمله وظایف راهداران می‌توان به ممانعت کردن از سفر در راه‌های پرت و پر مخاطره اشاره کرد. دلیل این امر هم جلوگیری از دزدی اسباب و اثاثیه مسافران بوده است. (سیوری، ۱۳۸۹: ۱۹۰) راهداران «به مجرد شنیدن خبر دزدی خود را می‌رسانند و از همه عابران می‌پرسند که به کجا می‌روند و از کجا می‌آیند. اگر آنطور که باید جواب ندهند و یا در جواب آنها ضدونقیض باشد او را پیش نزدیک‌ترین حاکم می‌برند تا چنانچه گناه دزدی‌اش ثابت شد او را مجازات کنند.» (تاورنیه، ۱۳۸۹: ۲۷۷)

البته به نظر می‌رسد با زوال اقتدار دولت صفوی انعطاف‌پذیری راهداران و رعایت حال مسافران نیز روبه‌کاهش رفته است. آنچنان که «جملی‌کاری» سیاح ایتالیایی که عصر شاه سلیمان و سلطان حسین را درک نموده از ناامنی راه‌ها و بی‌رحمی راهداران سخن به میان رانده است. این سیاح راهداران این عصر را در بی‌رحمی به دزدان سرگردنه تشبیه کرده است. همچنین به بی‌حرمتی و توهین ایشان به فرنگی‌ها اشاره کرده و اینکه هر اندازه که تمایل داشته باشند؛ از مسافر به عنوان حق راهداری دریافت می‌نمایند. مبلغ دریافتی راهدارها را کاری پنج عباسی که گویا در آن زمان وجه گزافی بوده ذکر کرده است. (کاری، ۱۳۴۸: ۱۹) این در حالی است؛ که این مبلغ در هنگام حضور تاورنیه در ایران، همانگونه که این سیاح در سفرنامه‌اش ذکر کرده است ناچیز بوده است. مقایسه گزارشات این سیاحان در دو فاصله زمانی متفاوت بر میزان امنیت در ادواری که تاورنیه و کاری به ایران سفر نموده‌اند؛ اشاره دارد. این امر سخت‌گیری شاه عباس اول و برقراری نظم و آرامش در خاک ایران را نشان می‌دهد.

از دیگر زیرساخت‌های اجتماعی شاه عباس اول که توسعه تجارت را ممکن می‌ساخته وجود امکانات رفاهی نظیر کاروانسراها می‌باشد. شاه عباس اول احداث مکان‌هایی، تحت عنوان کاروانسرا را در برنامه توسعه اقتصادی کشور قرار داد. کاروانسراها در



تسریع و بهبود ارتباط میان پایتخت و مراکز ولایات نقش مهمی داشتند. کاروانسراها نقشی مهم در حیات اجتماعی ایرانیان عصر صفویه داشته و هرگاه بر تعداد و کیفیت آن‌ها افزوده می‌شد نشان از رونق و رفاه اجتماعی بود. در عصر شاه عباس فعالیت‌های شدیدی در جهت ساخت و ساز کاروانسراها در پیش گرفته شد. چنین پیداست که از دوره شاه عباس شرایط به وجود آمده اقتضا می‌کرد که مخارج هنگفتی برای ارائه تسهیلات و امکانات در زمینه کاروانسراها صرف شود.

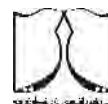
دن گارسیا در سفرنامه خود در مورد کاروانسرا چنین آورده: «در حقیقت کاروانسرا در حکم قلعه ای محکم بود که برای اطمینان کاروانیان و حفاظت آنها و کالاهای بازرگانیشان از شر دزدانی که سابقاً امنیت را از این صحرا سلب کرده بودند ساخته شده باشد.» (فیگوئرا، ۱۳۶۳: ۱۲۱) در «عالم آرای عباسی» از ساخت کاروانسرا در مسیر شهرهای اصفهان، قزوین، کاشان و همدان برای استراحت مسافران سخن به میان آمده است. (ترکمان، ۱۳۸۷: ۱۱۱/۲) تعداد کاروانسراهای ساخته شده در عصر شاه عباسی به قدری افزون بوده که زیانزد سیاحان آن عصر و اعصار بعدی شده است. دلاواله از فزونی کاروانسراها سخن گفته و ساختمان آن‌ها را بزرگ و نسبتاً خوب معرفی کرده است. وی همچنین به تلاش افراد دیگر به غیر از شخص شاه برای آبادانی و بهبود وضع کاروانسراها اشاره کرده است. (دلاواله، ۱۳۸۱: ۲۹) علاوه بر این بر اساس گزارش فیگوئرا (Don Garcia De Silva Figueroa) کاروانسراها توسط زنان خیر نیز بنا می‌گردیدند. (فیگوئرا، ۱۳۶۳: ۱۲۸) بنا بر گزارشات این سیاح، مناسب‌ترین محل‌های اقامت برای خارجیان همین کاروانسراها می‌باشد که همه نوع امکانات رفاهی در آنجا موجود می‌بوده است. (همان، ۲۴۶) ساخت کاروانسرا توسط افراد دیگر، نشان از اهمیت چنین مکان‌هایی در مسیر آبادانی و توسعه کشور دارد.

البته تعداد کاروانسراها و فزونی آنها نیز بر رواج و رونق سیر مسافرت‌ها چه از لحاظ تجاری و چه از لحاظ سیاحتی به ایران خبر می‌دهد.

شاردن نیز که در اواخر عصر صفویه به ایران مسافرت نموده، اطلاعات جامعی از وضعیت کاروانسراها برای خواننده ارائه داده است. بنابر گزارش این سیاح فرانسوی، ساخت کاروانسراها در ایران نسبت به امپراطوری عثمانی رواج بیشتری داشته است. چنانچه وی در مقایسه بین ایران و عثمانی از فزونی تعداد کاروانسراها در ایران خبر داده است. وی بیان داشته، چنین عمارت‌هایی برای استراحت مسافر در عثمانی وجود نداشته است. دلیل این امر را هم مسافرت دسته جمعی و قافله‌ای‌ای اهالی عثمانی ذکر کرده، که در سفرها، باروبنه و چادر با خویش حمل می‌نمودند. (شاردن، ۱۳۷۲: ۳۸۹/۲) طبق گزارشات شاردن این کاروانسراها توسط دولتمندان و پادشاهان ساخته می‌شده و افرادی را نیز در جهت حفاظت و نگهبانی از اموال مسافران در آن محل به کار می‌گماشتند. این افراد علاوه بر تأمین امنیت، مسئولیت تأمین مواد غذایی برای مسافران را نیز بر عهده داشته‌اند. (شاردن، ۱۳۷۲: ۳۹۱/۲) ایجاد چنین زیر ساخت‌هایی در شبکه راهداری کشور، علاوه بر تأمین امنیت و توسعه کشور، بر پویایی تجارت نیز مؤثر واقع می‌شد. به دلیل وجود امنیت، آمد و شد تجار به ایران با آسایش بیشتری انجام می‌شد.

## ۲. سیاست شاه عباس اول در انحصار تجارت ابریشم

شرایط اقتصادی ایران، همانند شرایط سیاسی‌اش، در آغاز دوره شاه عباس اول بسیار ناپایدار بود زیرا آشفتگی ناشی از جنگ داخلی قبل از برتخت نشینی شاه عباس تأثیر مضر بر تجارت گذاشته بود و علاوه بر آن دشمنی‌هایی نیز با عثمانی‌ها وجود داشت. حمله عثمانی‌ها به ایالات تولیدکننده ابریشم و در نتیجه تسلط آنها بر این ایالات به شدت بر تجارت ابریشم ایران تأثیر گذاشته بود. (کمبریچ، ۱۳۸۷: ۳۲۲/۶)



شاه عباس دریافت که کلید موفقیت اقتصادی ایران ابریشم است و این امر بر رونق بازار داخلی می‌افزود. به همین خاطر در ادامه سیاست‌های اقتصادی خود با محوریت قرار دادن ابریشم به عنوان کالایی اساسی در صادرات ایران، اقتصاد دولت صفویه را پایه ریزی نمود. در قرن دهم هـ/ق شانزدهم م. ابریشم ایران با تقاضایی فزاینده از سوی عثمانیان و ایتالیایی‌ها رو به رو شد. آن‌ها برای تأمین ابریشم مورد نیاز کارخانجات بافندگی خویش، خواستار افزایش تولید ابریشم خام نواحی گیلان، مازندران، شماخی، شیروان و قراباغ که از دیرباز در زمره مناطق ابریشم خیز ایران محسوب می‌شده، بودند. (Chudhury and Kevonian, 2007: 93) شاه عباس اول برای تأمین خواسته‌های خارجیان، بخش عمده‌ای از فعالیت‌های اقتصادی کشور را متوجه تولید ابریشم و تهیه پارچه‌های ابریشمی نمود؛ به صورتی که ابریشم و تولیدات حاصل از آن موضوع اصلی تجارت خارجی ایران قرار گرفت. به نحوی که در قرن یازدهم هـ. ق/ هفدهم م. تقاضا برای ابریشم، سیر تصاعدی پیدا کرده و کشورهای اروپایی همچون انگلیس و فرانسه نیز، برای دست یابی به ابریشم خام، جهت تأمین مواد اولیه کارخانجات بافندگی خویش، وارد رقابت بازار تجارت ابریشم شدند. (Chudhury and Kevonian, 2007: 93)

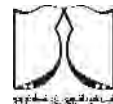
با توجه به سیر صعودی تقاضا برای ابریشم، شاه عباس می‌بایست سیاست‌های اقتصادی کارآمدی را بر اساس صادرات ابریشم و متقابلاً سرازیر نمودن ثروت و افزایش نقدینگی به داخل ایران، اتخاذ می‌نمود. بر این اساس وی، توجه خویش را به افزایش توستان‌ها در مناطقی که آب و هوای مساعد داشتند، مبدول نمود. (پارسادوست، ۱۳۸۸: ۷۳۰) از دیر باز بهترین مناطق از نظر شرایط آب و هوایی برای تولید ابریشم، منطق‌هایی میان ۳۵ درجه و ۴۲ درجه عرض شمالی بوده است. (لافون و رابینو، ۱۳۷۲: ۶) درستی این مطلب را از گزارش اصطخری در اثر جغرافیایی‌اش



که از شهرهای تولید کننده ابریشم سخن به میان رانده می‌توان فهمید. در این میان وی به شهرهای طبرستان و گرگان اشاره نموده است. البته مرغوبیت ابریشم این مناطق هم در گزارشات اصطخری لحاظ گردیده است. (اصطخری، ۱۳۶۸: ۱۷۲-۱۷۳)

تولید ابریشم در دوره صفویه به ویژه عصر شاه عباس اول هم منوط به مناطق شمالی ایران می‌باشد. گزارشات سیاحان در بازدید از شهرهای ایران درستی این مطلب را به اثبات می‌رساند. چنانچه فزونی توتستان‌ها در شمال ایران جلب توجه می‌نموده است. پیتر و دلاوراله در سفر خویش به ایران، از فزونی درختان توت خصوصاً در مازندران سخن به میان آورده است. وی در توصیف مردم مازندران، ایشان را آشنا به تربیت کرم ابریشم دانسته و از فزونی تعداد درختان توت در ناحیه فرح آباد اشاره کرده است. (دلاواله، ۱۳۸۱: ۱۳۹) توماس هربرت (Thomas Herbert) نیز که در اواخر عصر شاه عباس به ایران سفر نموده، به توتستان‌های بسیاری در شمال ایران اشاره کرده و خاطر نشان نموده که این توتستان‌ها به شاه متعلق بوده است. (Herbert, 171) اولناریوس نیز که در دوران پادشاهی شاه صفی، به ایران سفر نموده در خصوص فزونی درختان توت در گیلان چنین گزارش داده است: «راهی که به رشت منتهی می‌شد از میان جنگل انبوهی می‌گذشت و سپس از وسط باغ‌های بزرگی مملو از درخت توت عبور می‌کرد.» (اولناریوس، ۱۳۷۹: ۷۸۸-۷۸۹) علاوه بر این مناطق، ارمنستان نیز از دیگر ایالت‌های بوده که به مقدار فراوان ابریشم در آنجا تولید می‌شده است. (تکتاندرفن، ۱۳۵۱: ۶۶)

به علاوه مناطق شمالی برای تولید ابریشم، شاه عباس مراکز جدیدی نیز برای تولید ابریشم ایجاد نمود. وی به تولید ابریشم در نواحی مرکزی ایران همچون اردستان و نواحی اطراف اصفهان اقدام نمود. در «سفرنامه اصفهان» از وجود درختان توت در اردستان خبر داده شده؛ (افضل المک، ۱۳۸۰: ۹۵) و اروج بیگ بیات هم از پرورش



کرم ابریشم در اطراف اصفهان و بافتن پارچه‌های ابریشمی در اردستان، کاشان، یزد، قم و ساوه گزارش داده است. (بیات، ۱۳۲۸: ۶۰)

افزایش توتستان‌ها، متقابلاً افزایش تولید ابریشم را به‌مراه داشته است. میزان تولید سالیانه ابریشم خام، هشت سال پس از پادشاهی شاه عباس اول، براساس گزارشی که اولئاریوس ارائه داده؛ بدین شرح می‌باشد: «طبق محاسباتی که شده است هر ساله در ایران در حدود ۲۰/۰۰۰ عدل ابریشم تولید می‌گردد و هر عدل معادل ۲۱۶ پوند است. گیلان در میان ولایت‌های ایران از نظر تولید ابریشم رتبه اول را داشته و به تنهایی محصول آن ۸۰۰۰ عدل ابریشم است. محصول شروان ۳۰۰۰ عدل، خراسان ۲۰۰۰ عدل، مازندران ۲۰۰۰ عدل و قراباغ ۲۰۰۰ عدل می‌باشد. محصولات ابریشم گرجستان که در آن جا ابریشم خوبی به دست می‌آید و سایر نقاط در این حساب منظور نشده است». (اولئاریوس، ۱۳۷۹: ۶۵۹) که البته بر اساس میزان کل ابریشم تولیدی، تولید ابریشم در مناطق گرجستان، معادل ۳۰۰۰ عدل بوده است. این میزان در زمان سفر شاردن به ایران تقریباً بدون تغییر بوده و شاردن میزان تولید سالانه را ۲۲۰۰۰ عدل ذکر کرده است. بنابر گزارش این سیاح، بهای ابریشم تولیدی در گیلان و مازندران ۴۰۰۰ لیور، ماد و باکتریان ۶۰۰۰ لیور و قراباغ و گرجستان ۲۰۰۰ لیور بوده است. (شاردن، ۱۳۷۲: ۹۰۲/۲)

همچنین شاردن ابریشم تولیدی در ایران را به چهار نوع تقسیم بندی نموده است. تقسیم بندی شاردن بر اساس میزان کیفیت ابریشم بدین شرح می‌باشد: شروانی که زبر و ضخیم می‌بوده و در شروان تولید می‌گردیده، خرواری در گیلان تولید می‌شده و متقاضیان این نوع ابریشم کسانی بوده که به خوب یا بد بودن ابریشم آگاهی نداشته‌اند، نوع سوم به کدخداپسند معروف بوده و جنس آن متوسط بوده است، نوع

چهارم ابریشم شعرباف می‌باشد که از کیفیت بالایی برخوردار بوده و برای بافتن پارچه‌های زربفت به کار می‌رفته است. (شاردن، ۱۳۷۲: ۹۰۳/۲)

بر اساس آمار و ارقام گزارش شده توسط این سیاحان، که در دو فاصله زمانی مختلف، اما نزدیک به عصر شاه عباس به ایران سفر نموده‌اند، ما شاهد تغییر چندانی در میزان ابریشم تولیدی نمی‌باشیم. و به نظر می‌رسد، این میزان در عصر جانشین‌های شاه عباس اول (عصر شکوفایی و رشد تجارت ابریشم) هم به همین منوال بوده است. و این امر می‌تواند نشان دهنده تأثیر شگرف و گیرایی سیاست‌های اقتصادی شاه عباس بر روند رونق اقتصادی ایران تا مدت‌ها بعد از خود باشد.

محوریت قرار دادن ابریشم به عنوان کالایی اساسی در تجارت خارجی ایران، علاوه بر تولید وسیع این محصول، به تولید منسوجات ابریشمی هم منجر گردید. بدین منظور کارخانجات بسیاری برای تبدیل ابریشم خام به منسوجات ابریشمی ایجاد گردید. از جمله «فیگوئرا» در گزارشات خود به مراکز قالی بافی اصفهان اشاره نموده و این نوع قالی‌های را بهترین نوع قالی در مشرق زمین معرفی نموده است. (فیگوئرا، ۱۳۶۳: ۲۴۶) دلاواله از فزونی کارخانه‌های پارچه بافی در ایران سخن گفته و اینکه تمام این کارخانه‌ها متعلق به شاه می‌بوده است. از فروش این منسوجات ابریشمی سود کلانی نصیب خزانه دولت می‌گردید. (دلاواله، ۱۳۸۱: ۱۲۷) شاردن نیز به توسعه و پیشرفت صنعت نساجی ایران خصوصاً در بافت منسوجات ابریشمی اشاره نموده، و ایران را در قرن یازدهم هـ. ق/ هفدهم م. از نظر ایجاد کارخانجات بافندگی، استفاده از ابزار و آلات بافندگی و ریسندگی همپای اروپا دانسته است. (شاردن، ۱۳۷۲: ۸۹۵/۲) بنا بر گزارشات این سیاح فرانسوی، سالیانه شش هزار عدل ابریشم گیلان در کارخانجات بافندگی تبریز



بافته می‌شده و منسوجات تولیدی این شهر علاوه بر مصارف داخلی به عثمانی، مسکو، تاتارستان، هند و سواحل دریای سیاه صادر می‌گردیده است. (شاردن، ۱۳۷۲: ۴۸۰/۲) در سازمان اداری صفویان هم، منصبی تحت عنوان قیج‌جیخانه خاصه جهت تحویل پارچه‌های بافته شده به کار مشغول بوده است. این صاحب منصب پارچه‌ها را تحویل گرفته و در حضور عالیجاه ناظر، آن‌ها را قیمت گذاری می‌نمودند. (میرزا سمیعا، ۱۳۷۸: ۳۰)

بدین ترتیب با گسترش تولید ابریشم و صنایع نساجی شاه عباس اول برای استفاده بهینه از این مقدار فراوان در تجارت و فزونی صادرات بر واردات این کالا را در انحصار خویش درآورد. آنگونه که شاردن در سیاحتنامه اش از تعلق یک سوم درآمد ابریشم به شخص شاه اشاره کرده است. (شاردن، ۱۳۷۲: ۱۲۴۸/۳) و تاورنیه، دلیل انحصار تجارت ابریشم توسط شاه عباس را، کسب ثروت فراوان برای اداره صحیح مملکت و خارج نکردن پول از خزانه مملکت ذکر کرده است. (تاورنیه، ۱۳۸۹: ۱۸۸) «فلسفی» نیز انگیزه اصلی شاه عباس را از چنین اقدامی، افزایش ثروت، افزایش صادرات و در نهایت، کاهش واردات دانسته است؛ تا بتواند خزانه دولت خویش را تأمین نماید. (فلسفی، ۱۱)

عدم وجود معادن نقره در ایران که بشود با آن سکه ضرب کرده و خزانه دولت را تأمین نمود نیز یکی از دلایل اهمیت دادن شاه عباس اول بر تجارت ابریشم و انحصار آن توسط شخص خود می‌باشد. یک محقق فرانسوی بر اساس این کمبود هدف شاه عباس را در سازماندهی صادرات ابریشم کسب نقره کافی دانسته، که هم حجم نقدینگی را در کشور افزایش داده و هم شاه قدرت فئودالی خویش را

تثبیت نماید. (Kevonian, 2007: 93 Chaudhury and)

حفظ نقدینگی در خزانه دولت آنقدر برای شاه عباس مهم تلقی می‌گردیده که وی مانع سفر ایرانیان به اماکن متبرکه واقع در سرزمین ترک‌ها و عرب‌ها می‌شد. تا پول از ایران خارج نگردد. وی در قبال ایجاد این محدودیت از سفر به آن سرزمین‌ها، فضایی مناسب را در شهر ایجاد نموده، تا مردم را به زیارت اماکن مقدس آن دیار تشویق نماید. (تاورنیه، ۱۳۸۹: ۱۹۰) اقدامات شاه عباس در مشهد بدین شرح در «عالم آرای عباسی» آمده است: وسعت دادن به آستان رضوی، ساخت خیابان‌ها، ساخت گنبد برای تربت خواجه ربیع الخثیم، ایجاد عمارت قدمگاه. (ترکمان، ۱۳۸۷: ۱۱۱۰/۲) اما اقدام اصلی شاه عباس در افزایش حجم نقدینگی، همان گونه که ذکر گردید، اهمیت دادن به ابریشم در صادرات بوده که در راستای آن باغ‌های توت بسیاری را در نواحی دارای آب و هوای مساعد تدارک دید و برای تولید منسوجات ابریشمی هم کارخانجات بسیاری را در ایران تأسیس نمود.

بدین گونه شاه عباس اول هم ابریشم تولیدی و هم منسوجات تولید شده از ابریشم و درآمد حاصله از آن را در اختیار دربار و شخص خود قرار داد. بنابراین چنین به نظر می‌رسد که تولید کنندگان و تجار ابریشم بدون پشتیبانی دولتی، نقش مستقلی را در صادرات ایفا نمی‌کردند. سخن از مزایا یا معایب درباری نمودن تجارت ابریشم خود نیاز به بررسی مفصلی دارد و این بحث در این مقال نمی‌گنجد اما این گونه به نظر می‌آید که این عمل شاه عباس اول، ممکن است که در کوتاه مدت بازدهی مناسبی را برای اقتصاد کشور به دنبال داشته باشد، اما در طولانی مدت می‌توانست سبب کاهش نیرو و انگیزه تجار در امر تجارت گردیده و همین گونه بازرگانان را از آشنایی با شیوه‌های جدید در تجارت محروم می‌کرده و تجار



بدون آگاهی از روش‌های جدید همانند شیوه سابق به تجارت می‌پرداختند. در نتیجه نمی‌بایست سودآوری کلانی را در آینده تجاری ایران انتظار داشت.

### ۳. سیاست اقتصادی شاه عباس اول در کوچ آرامنه جلفا به ایران

در راستای تدابیر اقتصادی شاه عباس اول برای سرازیر نمودن ثروت به خزانه دولت، علاوه بر اقداماتی که در بخش پیش به آن اشاره گردید؛ وی نیازمند نیرویی کارآمد و آشنا به فن تجارت بوده تا بتواند به اهداف اقتصادی خویش نزدیک گردد. شاه عباس برای تثبیت موقعیت خویش بر اریکه قدرت، انقلابی را در ساختار سیاسی، نظامی و اقتصادی ایجاد نمود و آن بهره‌گیری از نیروهای غیر ایرانی و غیر ترک در سازمان نظامی و اقتصادی کشور بود. «راجر سیوری» این نیرو را با عنوان «نیروی سوم» ذکر کرده که شامل چرکس‌ها، گرجیان و آرامنه که به ایشان غلامان خاصه گفته می‌شد، بودند. (سیوری، ۱۳۸۷: ۷۶)

هر کدام از این گروه‌ها در طی نبردهایی که بین صفویان و عثمانیان صورت گرفته بود؛ از سرزمین خویش به ایران آورده شدند. سیاست اولیه کوچانیدن این اقوام از آن شاه طهماسب می‌باشد که در طی نبردهایش با گرجستان، تعدادی اسیر گرجی را با خود به ایران آورده بود. (ترکمان، ۱۳۸۷: ۸۴-۸۵) اما در زمان شاه عباس اول این روند تسریع داشته و به کار گماشتن ایشان در ساختار دولت صفویه، مختص به شاه عباس اول می‌باشد.

در طی نبردهایی که در سال (۱۰۱۲ هـ. ق / ۱۶۰۴ م) میان نیروهای صفوی و عثمانی در مناطق آذربایجان روی داد، بسیاری از اهالی آن دیار توسط شاه عباس به ایران کوچانیده شدند. «عالم آرای عباسی» در بیان کیفیت این جا به جایی چنین آورده است: «القصه چون لشکر روم به ایروان رسیدند موکب همایون در رودخانه وادی نزول داشت از این منزل مقصود سلطان کنگرلو حاکم نخجوان به کوچانیدن



اهالی آن و طهماسب قلی بیک غلام خاصه شریفه را به کوچ دادن اهالی جولاه مأمور فرمودند. مردم بلده نخجوان کوچ کرده به محال دزمار و قراجه داغ رفتند و مردم جولاه اگر چه تعلق بدان مقام و مسکن قدیم ایشان بود داشتند اما در این وقت به جهت صیانت حال و حفظ اموال طوعاً و کرهاً کوچ کرده به عراق رفتند و در دارالسلطنه صفاهان جنت نشان در کنار زاینده رود مسکن ایشان قرار یافته...» (ترکمان، ۱۳۸۷: ۶۶۸/۲) ملأ جلال منجم قصد شاه عباس اول را از کوچ این گروه‌ها چنین بیان داشته: «حکم جهان مطاع نافذ شد که رعایای چخور سعد را بکوچانند تا بعد از جنگ به هر چه صلاح باشد عمل شود و غرض دو چیز بود یکی آنکه رومیه لشکری متفرق ظالم طبیعت‌اند مبدا دست تعدی به رعایا دراز کنند در ثانی آنکه سردار چون الکه را خراب و بی آذوقه ببیند میل قلعه ساختن نکند.» (منجم یزدی، ۱۳۶۶: ۲۷۰-۲۷۱) دلایلی که ملأ جلال منجم در خصوص این جابه جایی ذکر کرده، دلایلی کاملاً نظامی و در جهت حفاظت از اهالی آن سرزمین‌ها در مقابل سپاه عثمانی می‌باشد. اما به راستی در بطن یک هدف نظامی، کدام مسئله نهفته است که آرامنه کوچانیده شده در ایران ماندگار شده و حتی محله ای‌ای در اصفهان نیز برای ایشان ساخته می‌شود؟

جلفا از نظر موقعیت جغرافیایی، سرزمینی نزدیک به مناطق ابریشم خیز قراباغ، شیروان، گیلان و مازندران می‌باشد و همچنین در مسیر حمل ابریشم به بازارهای جهانی قرار داشته است. بنابراین در قرن شانزدهم میلادی آرامنه جلفا، نقش بارزی را در حمل ابریشم به بازارهای حلب و بورسا ایفا می‌نموده‌اند.

(Ghougassian, 2009: 218)

بنابراین تسلط ارمنیان بر مسیرهای اصلی تجارت ابریشم، شاه را بر این امر واداشته، که با سنجش توانایی آرامنه در تجارت، آن‌ها را به ایران بکوچانند. این



اقدام شاه علاوه بر هدف نظامی که منابع رسمی صفویان به آن اشاره کرده‌اند، از اهداف اقتصادی نیز برخوردار بوده است. پیتر و دلاواله به اهمیت این امر از نظر اقتصادی توجه نموده و در این خصوص چنین نوشته است: «محلله ای ای دیگر به نام جلفا که سکنه آن را مهاجرین جلفا تشکیل داده‌اند و همه آن‌ها ارمنی مسیحی ثروتمند هستند. شاه دستور داده است این عده را از نقاط مختلف به اصفهان کوچ دهند تا در حوالی مرزهای مجاور نباشند و خطر از دست رفتن آنان و اسارتشان به دست ترک‌ها منتفی شود. به طور کلی شاه تا حد امکان مرزها را از سکنه خالی کرده و آن‌ها را به مرکز انتقال داده سرزمین‌های دیگری در اختیارشان گذاشته تا ابقاء آنان در مملکت تضمین گردد و در عین حال شهر اصفهان بزرگ تر و ثروتمندتر و زیباتر شود.» (دلاواله، ۱۳۸۰: ۲۸)

شاه عباس اول همچنین عده‌ای از این گروه را در نواحی شمالی ایران همچون مازندران جای داد. بنا بر گزارش شاردن، مازندران قبل از پادشاهی شاه عباس اول به دلیل آب و هوای نامساعد خالی از سکنه بوده و وی با این اقدام هم قصد آباد نمودن آن ولایت را داشته و هم می‌خواست که ارمنیان را در امر کشت ابریشم به کار گماشته و نیروی کار را در جهت توسعه تولید ابریشم افزایش داده تا خزانه مملکت را ثروتمند نماید. (شاردن، ۱۳۷۲: ۶۹۳/۲) «فلسفی» تعداد خانوارهای ارمنی ای که به مازندران کوچانده شده بودند بیست و چهار هزار ذکر کرده که بسیاری از آن‌ها به دلیل نامساعد بودن آب و هوا دچار بیماری مالاریا شده و نتوانسته ادامه حیات دهند و تعدادی حدود پنج، شش هزار خانوار در مازندران باقی مانده بود. (فلسفی، ۱۳۴۶: ۲۰۶/۳)

اقدام شاه عباس در کوچ آرامنه از یک پروسه طولانی مدت اقتصادی برخوردار بوده است. نخست وی با سرازیر نمودن این جمعیت در نواحی ابریشم خیز شمالی





که از جمعیت کمی برخوردار بوده در پی افزایش نیروی کار بوده، و در اصفهان هم که به عنوان پایتخت جدید صفویان برگزیده شده بود، قصد افزایش جمعیت و بهره‌گیری از توانایی این گروه تازه وارد در عرصه تجارت خارجی را داشته است. دوم گروه تازه وارد، نیرویی مناسب برای برقراری روابط تجاری با اروپا که هم کیش ارمنیان بودند؛ محسوب می‌گردیدند. چرا که از آیین و رسوم مذهبی ایشان آگاه بوده و نیازی به رعایت اصول و مقررات تعیین شده در دین اسلام را نداشتند. سوم این که بنابر مطالعه منابع این دوره، نواحی ابریشم خیز ایران از سال (۹۹۶ هـ. ق / ۱۵۸۵ م.) تا (۱۰۱۱ هـ. ق / ۱۶۰۳ م.) تحت سیطره امپراطوری عثمانی بوده و عثمانیان بر شبکه اصلی مسیرهای تجارت که جلفا هم جزء آن به شمار می‌آمده تسلط پیدا کرده بود. (Newman, 2006: 61)

جلفا به واسطه این موقعیت جغرافیایی منطقه‌ای آباد و ثروتمند بوده و در مدتی که تحت سیطره امپراطوری عثمانی بوده، سود سرشاری را نصیب خزانه عثمانیان می‌کرده است شاه عباس در طی نبردهایش با عثمانیان در سال (۱۰۱۲ هـ. ق / ۱۶۰۴ م.) از سیاست زمین سوخته بهره برده «و در غره رجب نزول نواب کلب آستان علی به نخجوان واقع شد امر به سوختن شهر و دهات و صحرا واقع شد.» (منجم یزدی، ۱۳۶۶: ۲۷۱) تا با نابود کردن امکانات رفاهی آن مناطق اهالی را وادار به کوچ نموده و عثمانی را از توانایی این نیروها در امر تجارت محروم نماید.

با توجه به این دلایل، و همچنین سوء رفتار ایرانیان در امر تجارت، شاه عباس برای پیشبرد اهداف اقتصادی خویش به نیروی تازه وارد ارمنی متوسل شد. در این خصوص تاورنیه به جریان بر باد رفتن ابریشم‌هایی که شاه در اختیار یک تاجر ایرانی قرار داده تا در ونیز به فروش برساند و همچنین ولخرجی‌های آن



تاجر اشاره نموده است. (تاورنیه، ۱۳۸۹: ۷۹) این امر، بر تغییر رویه شاه در خصوص عدم اعتماد به تاجران ایرانی مؤثر واقع شده بود. بدین ترتیب شاه عباس اول برای بهبود وضعیت اقتصادی کشور، این گروه را در ایران اسکان داده و بخش عمده تجارت را در اختیار ایشان قرار داد. شاه شرایط مساعدی برای ارمنیان فراهم آورد براساس آن چه که، در «عالم آرای عباسی» آمده زمین‌هایی برای زراعت به آن‌ها واگذار شده و مبلغی حدود دو، سه هزار به عنوان مساعده برای ارمنیان از سوی شاه عباس در نظر گرفته بودند. (ترکمان، ۱۳۸۷: ۲/۲۷۰)

فرمان شاه مبنی بر واگذاری زمین‌هایی برای اسکان آرامنه بدین شرح می‌باشد: «حکم مطاع شد آن که درین وقت بنا بر عنایت بی‌غایت شاهانه و شفقت بلا نهایت پادشاهانه درباره آرامنه جولاه و ترفیه حال ایشان، اراضی و زمین واقعه در کنار رودخانه زاینده رود دارالسلطنه اصفهان که ایشان آن جا خانه ترتیب داده‌اند و ملک نواب همایون ماست به انعام ایشان شفقت فرموده ارزانی داشتیم. مستوفیان عظام کرام دیوان زمین مذکور را از ملکیت دیوان برطرف ساخته به انعام آرامنه مذکور در دفاتر عمل نمایند. وزیر و کلانتر و عمال اصفهان حسب المنظور مقرر دانسته از فرموده درنگذرند و زمین مذکور را به انعام ایشان مقرر دارند.» (نوایی، ۱۳۵۳: ۲۹۲) شاه همچنین فرمانی را در خصوص مراعات حال ارمنیان به وزیر خویش میرزا محمد، ابلاغ نموده بود؛ این فرمان مفصلاً در اسناد منتشر شده توسط عبدالحسین نوایی بیان شده است. (همان، ۲۹۰) بنابراین شاه با شناخت روحیات ارمنیان، که افرادی قانع و خستگی ناپذیر بوده، تجارت ابریشم را به ایشان واگذار نمود. عباس اول چند عدل ابریشم که در انحصار خویش بوده را با قیمت مناسب که خود تعیین می‌نمود؛ برای فروش در بازارهای اروپایی در اختیار تجار ارمنی قرار می‌داد. (نوایی، ۱۳۵۳: ۷۹) تجار ارمنی در مقابل، کالاهای اروپایی همچون



ماهوت، ظروف بلور، گردنبندهای مروارید را از انگلیس، ونیز و سایر کشورهای اروپایی به ایران وارد می‌کرده و به قیمت بالایی به فروش می‌رسانند. (فلسفی، ۱۳۴۶: ۲۱۹/۳)

بنابراین ارمنیان تجارت بین‌المللی ایران را در مقیاس وسیعی در اختیار گرفته و روابط تجاری گسترده‌ای را با بنادر مدیترانه شرقی و اروپای جنوبی، روسیه و دریای سیاه، افغانستان، هند، چین و فیلیپین برقرار نمود. (Newman, 2006: 61) این گستردگی روابط تجاری سبب گردید که خانواده‌های ارمنی در اروپا هم مراکز تجاری برای خویش برپا نمایند. یکی از بازرگانان ارمنی به نام فیلیپ دوزالگی، قصد ایجاد مرکزی تجاری در لهستان را داشته و از سوی پادشاه لهستان به لقب کنت منتصب شده بود. (هوویان، ۱۳۸۴: ۲۸۹) با این اوصاف، روابط بازرگانی ارمنیان با روسیه بسیار گسترده تر از، روابط تجاری ایشان با اروپای غربی، هندوستان و ترکیه بوده است. (لوفت، ۱۳۸۰: ۷۰) چنانچه یکی دیگر از تجار ارمنی به نام ایگناد شاه‌ریمانیان در سال (۱۱۲۵ هـ.ق / ۱۷۱۷ م) موفق به احداث کارخانه‌های پارچه بافی در مسکو شده بودند. کارخانه شاریمانیان در مسکو در قرن دوازدهم هـ.ق / هیجدهم میلادی از کارخانه‌های مهم روسیه به شمار می‌آمده است. (هوویان، ۱۳۸۴: ۲۸۵) ارمنیان، کسب این موفقیت را مرهون اعتماد شاه عباس اول و فراهم نمودن شرایط مساعد در زمینه فعالیت‌های تجاری از طرف شاه برای ایشان، می‌باشند؛ که توانستند در عرصه تجارت بین‌المللی وجهه مناسبی را برای خویش فراهم کنند. فعالیت‌های ایشان در عهد شاه صفی که انحصار دولتی ابریشم شکسته شد؛ گسترده‌تر گردید.



## نتیجه گیری

از آنچه به اختصار آمد می توان اینگونه نتیجه گرفت در سالهای نخستین تشکیل دولت صفویه به دلیل مشکلات ناشی از جنگهای داخلی و تهاجمات خارجی و همچنین تلاش دولتمردان نخستین سلسله صفویه در راستای تثبیت موقعیت سیاسی ایران، فعالیت اقتصادی کاهش یافته و رو به زوال رفته بود. ازبکان و عثمانیان برخی از پردرآمدترین ولایات ایران را در تصرف خود داشتند که از جمله آنها مراکز اصلی تولید ابریشم بود. با روی کار آمدن شاه عباس اول شرایطی پیش آمد که شاه در آن بر عثمانیان و ازبکان فائق آمد ایالات تولید کننده ابریشم و مالکیت بر هرمز را به پادشاهی ایران بازگرداند. این امر نه تنها لازمه از سرگیری تجارت در مقیاسهای قبلی بود بلکه لازمه توسعه تجارت ایران هم بود که شاه عباس تاکید جدی بر آن داشت و برای آن بسیار تلاش کرد. شاه عباس اول اقداماتی را در جهت توسعه و پیشرفت اقتصادی ایران در برنامه اقتصادی خود قرار داد که می توانست پیشرفت تجارت و اقتصاد را فراهم نماید.

بسیاری از کاروانسراهایی که ساخت و ساز آنها در دوره شاه عباس اول شروع شد یا به او منسوب است در واقع تعمیرات و تجهیز دوباره ای بوده که او برای پیشبرد اهداف تجاری خود در خصوص سیاست کلانی که در ذهن داشت، انجام داده است. در این دوره مخارج بیش از پیش برای ارائه تسهیلات و امکانات در زمینه راهها و کاروانسراها و سایر بناهای مشابه هزینه شد و شرایط نیز اینگونه اقتضا می کرد. افزون بر انگیزه های بازرگانی و افزایش نسبتاً امنیت تجاری در ایران، دلایل دیگری برای این امر می توان آورد ولی انگیزه های تجاری شاه عباس در این زمینه مقدم بر سایر انگیزه ها و دلایل است.

بدون شک چنین اقداماتی پیش از عصر صفویه نیز انجام می شد اما بنا بر عادت اغلب اصلاحات و اقدامات مهم دوره صفویه را به شاه عباس اول نسبت می دهند گرچه نمی توان شاه عباس را مبدع راهداری دانست اما بدون شک او در نظم و نسق بخشیدن به راهداریها در سراسر کشور نقش مهمی را ایفا کرده است.

## منابع

- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم (۱۳۶۸). *مسالک و ممالک*، به اهتمام ایرج افشار، تهران، علمی و فرهنگی، چ ۳.
- افضل الملک، میرزا غلامحسین (۱۳۸۰). *سفرنامه اصفهان*، به کوشش ناصر افشارفر، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت و ارشاد اسلامی.
- اولثاریوس، آدام (۱۳۷۹). *سفرنامه آدام اولثاریوس*، ترجمه حسین کرد بچه، تهران، هیرمند.
- بیات، اورج بیگ (۱۳۲۸). *دون ژوان ایرانی*، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- پارسادوست، منوچهر (۱۳۸۸). *شاه عباس اول پادشاهی با درس‌هایی که باید فرا گرفت*، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- جکسون، پیتر و لورنس لاکهارت (۱۳۸۷). *تاریخ ایران کمبریج*، ترجمه تیمور قادری، ج ۷، تهران، مهتاب.
- تاورنیه، ژان بابتی است (۱۳۸۹). *سفرنامه تاورنیه*، ترجمه حمید ارباب شیرانی، تهران، نیلوفر، چ ۲.
- ترکمان، اسکندریگ (۱۳۸۷). *تاریخ عالم آرای عباسی*، به اهتمام، ایرج افشار، تهران، امیرکبیر، چ ۴.
- تکتا ندرفن، دریابل ژرژ (۱۳۵۱). *ایتر پرسیکم*، ترجمه محمود تفضلی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
- حسینی استرآبادی، سید حسن بن مرتضی (۱۳۶۶). *از شیخ صفی تا شاه صفی*، به کوشش احسان اشراقی، تهران، علمی، چ ۲.
- دلاواله، پیتر و (۱۳۸۰). *سفرنامه پیتر و دلاواله*، ترجمه شجاع الدین شفا، تهران، علمی و فرهنگی، چ ۳.
- سیوری، راجر (۱۳۸۷). *ایران عصر صفوی*، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران، مرکز، چ ۱۷.



- شاردن، ژان (۱۳۷۲). **سفرنامه شاردن**، ترجمه اقبال یغمایی، تهران، توس.
- ف. لافون و ه. ل. رابینو (۱۳۷۲). **صنعت نوغان در ایران**، ترجمه جعفر خمami زاده، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- فلسفی، نصرالله (۱۳۴۶). **زندگانی شاه عباس اول**، تهران، دانشگاه تهران، چ ۲.
- \_\_\_\_\_ «تجارت ابریشم ایران در زمان شاه عباس اول»، مجله وحید، سال دوازدهم، ش ۱.
- فیگوئرا، دن گارسیا دسیلوا (۱۳۶۳). **سفرنامه دن گارسیا د سیلوا فیگوئرا**، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران، نشر نو.
- کاری، جملی (۱۳۴۸). **سفرنامه کاری**، ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ، تبریز، اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی.
- کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۳). **سفرنامه کمپفر**، ترجمه کیکاووس جهاندار، تهران، خوارزمی، چ ۳.
- منجم یزدی، ملاجلال الدین محمد (۱۳۶۶). **تاریخ عباسی یا روزنامه ملاجلال**، به کوشش سیف الله وحیدنیا، تهران، وحید.
- میرزا سمیعا، محمد سمیع (۱۳۷۸). **تذکره الملوک (تعلیقات مینورسکی)**، ترجمه مسعود رجب نیا، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران، امیرکبیر، چ ۳.
- نوابی، عبدالحسین (۱۳۵۳). **شاه عباس مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی**، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
- هوویان، آندرانیک (۱۳۸۴). **ارمنیان ایران**، تهران، هرمس، چ ۲.

Ghougassian, Vazken, s (2009). **JulFA I. SAFAVID Period**, Encyclopaedia Iranica, vol, XV, Fasc.

Herbert, Thomas, **Travel In Persia**, Edited By SRI E. Denison Ross and Elleen Power, London, carter lane.

Newman, Andrewj (2006). **Safavid Iran, Rebirthofa Persian Empire**, London, I. B. TAURIS.

Sushil Chudhury and Keram Kevonian (2007). **les Armeniens dans le commerce Asiatique aude but Delere modern**, France, Fondation Masondes Sciences De l homme